

بررسی عوامل مؤثر بر آسیب‌شناسی سازمانی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی

کیوان کاوه^۱ تقی آقاسینی*^۲ محبوبه سادات فدوی^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر آسیب‌شناسی سازمانی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی بود. روش پژوهش حاضر کمی از نوع پیمایشی و از لحاظ هدف نوعی پژوهش کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه استادان تمام وقت دانشگاه‌های آزاد اسلامی مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکزی شامل دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای ساری، اصفهان، کرمان، خرم‌آباد، و شیراز بودند که تعداد کل آنان ۱۳۸۹ نفر بود که براساس فرمول کوکران تعداد ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن با دیدگاه اساتید و پایایی آن نیز براساس آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۹ شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری با نرم‌افزار PIs Smart3 استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای استراتژی، ساختار و فرآیند به‌صورت مستقیم و متغیر استراتژی غیر مستقیم از طریق متغیرهای ساختار و فرآیند ۹۶/۸ درصد از آسیب‌شناسی تولید دانش را تبیین می‌کنند. همچنین ساختار ۴۹/۶ درصد و متغیر فرآیند ۵۸/۴ درصد آسیب‌شناسی تولید دانش را تبیین می‌کنند. ۳۸/۷ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر مستقیم استراتژی، ۳۹ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر ساختار، ۳۲ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر مستقیم فرآیند، ۷۰/۵ درصد از تغییرات مربوط به ساختار مربوط به اثر مستقیم استراتژی، ۳۶/۵ درصد از تغییرات مربوط به فرآیند مربوط به اثر مستقیم استراتژی، ۴۶/۳ درصد از تغییرات متغیر فرآیند مربوط به اثر مستقیم ساختار می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده می‌توان اذعان داشت که مدل آسیب‌شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک مدل مؤثر در آسیب‌شناسی تولید دانش به کار گرفته شود و موجب ارتقای سطح علمی تولید کنندگان دانش گردد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی تولید دانش، مسائل راهبردی، مسائل ساختاری، مسائل فرایندی، دانشگاه آزاد اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
keyvankaveh2021@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
aghahoseini@gmail.com

^۳ استادیار گروه مدیریت آموزش عالی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
mahboube.fadavi@gmail.com

مقدمه

آسیب‌شناسی براساس درک نحوه کار سازمان پایه‌گذاری می‌شود. چارچوب‌های فکری که دست اندرکاران تحول سازمانی برای ارزیابی سازمان به کار می‌برند "الگوی آسیب‌شناسی" نامیده می‌شود. با شناخت الگوهای آسیب‌شناسی می‌توان نسبت به فرهنگ‌سازی و نهادینه نمودن یکی از آن‌ها با توجه به مقتضیات سازمانی اقدام نمود به‌طوری‌که با مشاهده هرگونه مشکل در سازمان با دید سیستمی و نظام‌مند می‌توان به بررسی تعاملات میان مؤلفه‌های مختلف سازمانی پرداخت و ریشه، یا ریشه‌های مشکل را شناخت، به این ترتیب با اقدام اصولی و پیشگیرانه می‌توان عواقب زیان‌بار آسیب‌ها را به حداقل رساند (اسدی گرجی و مصطفوی، ۱۳۹۰).

آسیب‌شناسی سازمانی، فرآیند استفاده از مفاهیم و روش‌های علوم رفتاری، به منظور تعریف و توصیف وضع موجود سازمان‌ها و یافتن راه‌هایی برای افزایش اثربخشی آن‌ها می‌باشد. آسیب‌شناسی به موقع و اصولی این امکان را به مدیران می‌دهد که همواره از مسائل و مشکلات جاری سازمان خود مطلع باشند و از حد شدن آن جلوگیری نمایند. تحقیقات جدید در رابطه با آسیب‌شناسی سازمانی، سازمان را با بدن انسان مقایسه می‌کند؛ همان‌گونه که بدن انسان مراحل بیماری و سلامتی را طی می‌کند، سازمان‌ها نیز همین‌گونه هستند (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو، پژوهشگران و صاحب‌نظران، الگوهایی برای آسیب‌شناسی سازمانی معرفی کرده‌اند. به‌طور مثال، مدل سه شاخگی که در قالب سه دسته عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای تجزیه و تحلیل می‌شوند (عوامل رفتاری عبارتند از کلیه عوامل مربوط به نیروی انسانی مانند انگیزش، روحیه کار و رضایت شغلی. عوامل ساختاری دربرگیرنده مجموعه روابط منظم حاکم بر اجزای داخلی سازمان مانند قوانین و مقررات است و عوامل زمینه‌ای که شامل محیط و شرایط بیرونی سازمان می‌باشد (ذاکری‌پور و همکاران، ۱۳۹۰). مدل هفت بعدی وایزبورد، (اهداف، روابط ساختارها، رهبری، سیستم پاداش، مکانیزم‌های مفید هماهنگی و محیط) نگرشی سیستماتیک برای شناخت دقیق‌تر سازمان و مداخله مناسب برای حل مشکلات و مسائل سازمانی ارائه می‌دهد (وطن‌خواه، ۱۳۸۶). مدل تعالی سازمانی، مدل بلوغ فرایندی، رویکرد دوره عمر سازمان مدل هفت اس مکینزی، (صبورطینت، ۱۳۹۷). الگوی ترکیبی (کارکرد- فرایند- سیستمی- ساختاری) نگرشی جامع به آسیب‌شناسی در حوزه مدیریت است (نوری، ۱۳۹۲). الگوی مذکور یک الگوی چهار سطحی می‌باشد که عبارت هستند از الزامات کارکردی (الزام جامعیت در تدوین وظایف محوله به سیستم‌های مدیریت، الزامات فرایندی (شناسایی و تدوین فرآیندهای آموزش متناسب با کارکردهای آموزشی، الزامات سیستمی (الگوی مطلوب رابطه فرآیندهای شناسایی شده، و الزامات ساختاری (تعیین ساختار مناسب سازمان). به‌طور کلی مدل‌های آسیب‌شناسی از طریق ارائه مسیرها و شیوه‌های خاص، انضباط و آرامش فکری را برای آسیب‌شناس فراهم نموده و عملی نمودن طرح‌های ذهنی وی را تسهیل می‌کنند.

هدف از آسیب‌شناسی نه تنها کشف مشکلات واقعی است، بلکه شناسایی علل آن‌ها و کمک به مدیریت به منظور برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها می‌باشد. آسیب‌شناسی نیازمند نگرشی سیستماتیک^۱ به کل فرایند است و هدف آن تشخیص ماهیت و نوع مسأله است که نیاز به راه حل دارد و برای تغییرات خوب سازمانی ابتدا نیاز به انجام عارضه‌یابی می‌باشد (برومند، ۱۳۹۴).

دانش، دارایی نامشهود و به‌عنوان ابزار رقابتی سازمان‌هایی به کار می‌رود که از آن به شیوه‌ای کارآمد استفاده می‌کنند و سازمان‌هایی که کار خود را براساس اصول مدیریت دانش انجام می‌دهند، کارایی بهتر، بهره‌وری بالاتر و کیفیت خدمات را نشان داده‌اند (بولیسانی^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). تولید دانش به فرایندی اشاره می‌کند که از طریق آن دانش در یک زمینه علمی پیشرفت می‌کند (هالینگر^۳، ۲۰۱۱). از طرفی لایه‌های تولید دانش شامل چند نوع هستند: لایه اول یکپارچه‌سازی دانش، یکی از اهداف این لایه جمع‌آوری دانش ناهمگون از جمله اطلاعات و مطالعه آکادمیک است، هدف دیگر، فراهم کردن منابع دانش برای تشکیل یک راه‌حل مسأله برای انجام پاسخگویی می‌باشد. لایه دوم تطبیق دانش که هدف اصلی آن کسب دانش مناسب برای حل مسأله موجود است (پینگوی^۴، ۲۰۱۹). در سازمان

1 systematic

2 Bolisani

3 Hallinger

4 Pingyu

یادگیرنده تولید دانش حاصل از انباشت، جذب و درونی‌سازی اطلاعات است و از دیدگاه مدیریت دانش، نمایش و درک دانش به‌عنوان تبدیل اطلاعات به مبنایی برای شفاف‌سازی اطلاعات موجود ارایه می‌شود. فرآیند مدیریت دانش به دو بخش عمده (پذیرش مدیریت دانش و توسعه مدیریت دانش) و پنج مرحله (تولید دانش، انتقال دانش، ذخیره دانش، تسهیم دانش، و کاربرد دانش) تقسیم می‌شود (دنزلر^۱، ۲۰۱۹). اخیراً رویکرد سازمان‌ها از تولید دانش موجود بهره می‌برند و یک محیط کنترل شده برای دانش جدید فراهم می‌کنند که نشان از اهمیت تولید دانش در سازمان است (مکیلوپ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

سازمان‌ها برای ایجاد ساختارهای مدیریت دانش موثر و توسعه افراد تلاش بیشتری می‌کنند. از آن‌جا که تولید دانش یک ابزار کلیدی برای نفوذ در عملکرد سازمانی است و مزیت‌های رقابتی را برای سازمان‌ها فراهم می‌کند تولید دانش را باید یک فرآیند ماریجی دانست که از سطح فردی شروع می‌شود و سپس از طریق گسترش جوامع نیز تعامل‌هایی ایجاد می‌کند (دلشاب^۳ و همکاران، ۲۰۱۸).

تولید دانش در دانشگاه میزانی است که اعضای هیات‌علمی در تلاش برای جستجوی مجدد، مانند توسعه و انجام مطالعات تحقیقاتی، انتشار مقاله در مجلات، نوشتن کتاب‌ها، ارائه نتایج پژوهش‌ها در کنفرانس‌ها و فعالیت‌های تحقیقاتی شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها هستند (اقبال^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). تولید دانش فرآیندی است که در آن ورودی‌ها شامل منابع انسانی و خروجی، دانش جدید که دارای ویژگی پیچیده‌ای از دو ماهیت مشهود (انتشارات، حق اختراع، پایگاه‌های اطلاعاتی و غیره) و ماهیت نامشهود (دانش ضمنی، و فعالیت مشاوره‌ای) می‌باشد (التباج^۵، ۲۰۱۵). دانشگاه‌ها مسئول تولید و انتقال دانش در سراسر جهان هستند. بنابراین دانشگاه‌ها باید معیارهای قوی بهره‌وری هیات‌علمی از جمله ارتقای یادگیری و پرداختن به تولید ثروت را داشته باشند. علاوه بر این، دانشگاه‌ها باید مقیاسی را اتخاذ کنند که همه انواع مقالات از جمله علوم اجتماعی، علوم انسانی، آموزش و غیره را اندازه‌گیری کنند (نافوخو^۶ و همکاران، ۲۰۱۴).

سازمان‌های فعلی به‌طور فزاینده‌ای برای تولید دانش به‌عنوان وسیله‌ای برای غلبه موانع نوآوری و خلاقیت، تکیه می‌کنند (بالدوین^۷ و همکاران، ۲۰۱۱). دیدگاه مبتنی بر دانش، ارزشمندترین منبع یک سازمان را دانش می‌داند و پیشنهاد می‌کند که نوآوری با دسترسی به دانش تحقق یابد (باگرس^۸ و همکاران، ۲۰۱۰). فعالیت‌های لازم، تولید دانش سازمانی بایده‌های خوب را تسهیل می‌کند (یان و آزادگان^۹، ۲۰۱۷). تولید دانش شامل تولید ایده‌ها، روش‌های نوین، فرآیندها و... می‌باشد، زمانی که کارمندان و مشتریان سازمانی در تعامل با یکدیگر هستند نیز دیدگاه‌های حل مساله را به چالش می‌کشند تا روابطی را کشف کنند که قبلاً کشف نشده‌اند. (لی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۶). فرایندهایی وجود دارد که انتشار دانش را تسهیل می‌کنند تا دانش جدید را به افرادی که در فرآیندهای مربوطه درگیرند نیز نزدیک‌تر کنند تا آن‌ها بتوانند در ریسک‌پذیری سازمانی شرکت کنند (هرزاگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱). متخصصان برای تولید دانش از طریق مصاحبه‌ها و کارگاه‌هایی برای پیگیری و تحلیل فرآیندهای دانش استفاده می‌کنند و به‌همین دلیل پی بردند که درباره انتخاب دانش چه تصمیماتی اتخاذ شود و براساس چه معیارهایی نتایج آن‌ها به اشتراک گذاشته شود (آلبوکوئرک^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴).

¹ Denzler

² MacKillop

³ Delshab

⁴ Iqbal

⁵ Altbach

⁶ Nafukho

⁷ Baldwin

⁸ Bogers

⁹ Yan & Azadegan

¹⁰ Li

¹¹ Herzog

¹² Albuquerque

مهم‌ترین مصادیق تولید دانش عبارتند از: کتاب، مقاله، اختراع و اکتشاف که پس از داوری به چاپ و ثبت می‌رسند. از طرفی تولیدات دانش کشور نتوانسته گره‌گشای مشکلات جامعه باشد و دانش آموختگان مهارت لازم را برای خلاقیت مورد نیاز جهت رفع مشکلات نداشته‌اند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین تولید دانش در کشور دچار نوعی افت شده است، به خصوص از نظر کاربردی بودن تولید دانش نیز چندان رضایتی وجود ندارد (برومند، ۱۳۸۴).

پژوهش‌هایی در مورد دانشگاه انجام شده ولی مطالعات در مورد آسیب‌شناسی دانش در آموزش عالی خلا پژوهشی ایجاد کرده است. نیاز آذری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «نقش دانشگاه در تولید دانش به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اقتصاد دانش بنیان» به این نتیجه رسیدند: با توجه به یافته‌ها ۸ بعد شناسایی شده که قریب به ۶۴ درصد سهم را داشتند. در تحلیل عامل تاییدی، ساختار همبستگی برازش خوب مدل را تایید کرد که این ۸ بعد نظام مدیریتی و نهادی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، منابع وامکانات، کارآمد، نوآوری و کارآفرینی در علوم پزشکی، خط مشیها و اثرات محیطی-اجتماعی، عوامل ساختاری، نیروی انسانی دانش بنیان، نظامهای ثبت و بانک اطلاعاتی دانش بنیان بودند.

اکبری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی پژوهش و تحلیل موانع پژوهشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک)» به این نتیجه رسیدند: بنابراین نتیجه گیری می‌شود که بیشترین موانع موجود متأثر از ابعاد حرفه‌ای، حجم کاری، عدم ارتباط با مراکز آموزشی و پژوهشی خارج از کشور هستند. رفع موانع پژوهش در دانشگاه بیش از هر چیز متأثر از مسائل حرفه‌ای و توجه به ارتباطات نزدیک علمی، استفاده از فرصت‌های مطالعاتی و کاستن از حجم کار آموزشی دانشگاهیان است.

عباسیان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران» به این نتیجه رسیدند: یافته‌ها نشان داد که مشکلات ساختاری موجود، مأموریت گرا نبودن دانشگاه، ضعف ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه، مقاله گرایی، ضعف نظام ارزیابی، افت معیارهای جامعه علمی، نظام نادرست پذیرش دانشجوی و جذب هیئت علمی و همچنین ضعف ساختار قانونی از جمله علل اصلی کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران است.

کفاشان کاخکی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش ارتباط علمی در فرآیند تولید دانش در علوم انسانی» به این نتیجه رسیدند: تبادل دانش و بهره‌گیری از پژوهش‌های میان رشته‌ای که به نشر ایده‌ها و افکار در راستای حل مسئله‌ها و دشواری‌های موجود در جامعه منجر می‌شود، از نیازمندی‌های غیرقابل چشم پوشی جوامع انسانی است. از این رو، می‌توان با بهره‌گیری از برخی چهارچوب‌ها و با تاکید بر نقش ارتباط میان رشته‌ای در فرآیند تولید دانش، روند توسعه دانش میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی را با هدف رسیدن به وضعیت مطلوب مورد توجه قرار داد.

تقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «آسیب شناسی تولید دانش در هسته‌های پژوهشی علوم انسانی» به این نتیجه رسیدند: براساس تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته، ۹ مقوله استخراج شدند این مسائل عبارت‌اند از ضعف انگیزش، ضعف ساختار، در حاشیه بودن پژوهش، ضعف حمایت دانشگاه، آموزش محور بودن دانشگاه‌ها، نبود سیستم مدیریت دانش یکپارچه، ضعف روحیه همکاری پژوهشی، هسته‌های پژوهشی به مثابه جعبه سیاه، محدودیت در تامین منابع مالی می‌باشد.

ردمیلا و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی مشکلات ادغام سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش، چالش کلیدی برای توسعه بین‌المللی و پروژه‌های همکاری سازمان‌های غیرانتفاعی» به این نتیجه رسیدند: کمبود و سوءمدیریت، ارتباطات اجتماعی و منابع دانشی به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سازمان‌های غیردولتی در دستیابی به جوامع ذی‌نفع آسیب‌پذیر شناخته شده‌است. به منظور ارائه یک مدل

یکپارچه برای بهینه‌سازی مدیریت پروژه از طریق منابع اجتماعی تعبیه‌شده در ساختارهای سازمانی، سیستم‌های مدیریت سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش را مورد بررسی باید قرار داد.

مانوئل و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی مدیریت دانش چند سطحی وضعیت عملیاتی مدیران در ایالت فدرال آلمان» به این نتیجه رسیدند: یک رویکرد سیستم دانش چند سطحی براساس اصول طراحی ویژه در مدیریت دانش ارائه کرد و براساس مصاحبه نیمه ساختاری در ۱۴ مرکز منطقه‌ای، نشان می‌دهد که شرایط ساختاری برای مدیریت دانش موفق و یادگیری سازمانی وجود دارد. با این حال نیاز به بهبود یافتن در رابطه با هماهنگی جهت تسریع عملیات روتین، تداوم دانش عملیاتی و بهره‌برداری از نوآوری‌های محلی وجود دارد.

کاملودین و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی یک مدل مفهومی برای تاثیر عوامل مدیریت دانش بر پذیرش یادگیری سیار در کشور استرالیا» به این نتیجه رسیدند: تولید دانش و عوامل مدیریت دانش بر سهولت استفاده و سودمندی یادگیری سیار تاثیر مثبت و معناداری وجود دارند.

فیلپسون و ساره (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی منابع نوآوری در پیامدهای تولید دانش و انتقال آن در کشور سوئد» به این نتیجه رسید: یک شبکه غنی از انجمن‌های منحصر به فرد به شکل خلاق وجود دارند و همیشه دانش صریح نیز مورد استفاده قرار می‌دادند، شناخت ضمنی نیز می‌تواند به تولید دانش آشکار تبدیل شود.

در مورد ضرورت پژوهش حاضر باید گفت گام برداشتن در جهت تولید دانش از ضروریات‌های غیر قابل انکار جامعه بشری است و در هدایت جامعه در مسیر مطلوب می‌تواند موثر باشد. از آنجا که تولید دانش از وظایف غیر قابل انکار بخش علمی و دانشگاهی یک جامعه محسوب می‌شود، باید بر نقش دانشگاه و اعضای هیئت علمی در تولید دانش در جامعه تاکید داشت. اگر مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی به ارزش تولید دانش و نقش آن در ارتقای جایگاه سازمان و موفقیت برنامه‌های آن معتقد باشد، ایجاد زمینه‌های زیرساختی نیز امکان پذیر هست. در دانشگاه آزاد اسلامی نیاز به تولید دانش کاربردی بیش از پیش احساس می‌شود، این نیاز بیشتر به خاطر رشد فناوری و دسترسی آسان به اطلاعات در جامعه است، بدون افزایش کمی و کیفی تولید دانش نمی‌توان به تداوم بقای عزتمند در جهان علم محور کنونی امید داشت.

روش شناسی

روش پژوهش حاضر کمی از نوع پیمایشی و از لحاظ هدف نوعی پژوهش کاربردی است. چراکه بر مبنای آسیب‌شناسی سازمانی تولید دانش و ارائه یک مدل کاربردی برای برون رفت در دانشگاه آزاد اسلامی مورد طراحی و پیاده‌سازی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه اساتید تمام وقت دانشگاه‌های آزاد اسلامی مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکزی شامل دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای ساری، اصفهان، کرمان، خرم‌آباد، و شیراز بودند که تعداد کل آنان ۱۳۸۹ نفر بود که براساس فرمول کوکران تعداد ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن با دیدگاه اساتید و پایایی آن نیز براساس آلفای کرونباخ به ترتیب برای مؤلفه‌ها (رابطه با محیط ۰/۸۲، اداری مالی ۰/۷۹، برنامه‌ریزی ۰/۹۱، پژوهشی ۰/۹۰، سازماندهی ۰/۸۶، نظارت و کنترل ۰/۸۰، تخصص ۰/۸۱، تمرکزگرایی ۰/۸۲ و آموزشی ۰/۷۹) شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری با نرم‌افزار Pls Smart3 استفاده شد.

یافته‌ها

ابتدا در جدول (۱) برخی از ویژگی‌های نمونه پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: برخی از ویژگی‌های نمونه پژوهش (جنسیت، تحصیلات و...)

متغیر	تعداد	درصد
جنسیت		
مرد	۲۱۵	۷۰,۵
زن	۹۰	۲۹,۵
سنوآت		
۱۰سال و کمتر	۳۸	۱۲,۵
۱۱-۲۰ سال	۱۰۷	۳۵,۱
۲۱سال و بالاتر	۱۶۰	۵۲,۵
رتبه علمی		
مربی	۱۰۲	۳۳,۴
استادیار	۱۷۵	۵۷,۴
دانشیار و بالاتر	۲۸	۹,۲

یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد ۷۰,۵ درصد از نمونه را مردان و ۲۹,۵ درصد دیگر خانم هستند. همچنین، ۱۲,۵ درصد از نمونه دارای سابقه ۱۰سال و ۳۵,۱ درصد دارای سابقه ۱۱ تا ۲۰ سال و ۵۲,۵ درصد از نمونه دارای سابقه ۲۱ سال و بالاتر بوده‌اند. از نظر رتبه علمی نیز رتبه مربی و ۵۷,۴ درصد دارای رتبه استادیار و ۹,۲ درصد از نمونه دارای رتبه دانشیار و بالاتر بودند.

تحلیل عاملی اکتشافی:

تحلیل عاملی اکتشافی روشی است که به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از گویه‌ها و سوالات می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های عمومی محدودی طبقه بندی نموده و تبیین می‌کند. این روش جزء روش‌های آماری چند متغیری محسوب می‌گردد که کلیه گویه‌ها نسبت به هم وابسته تلقی گردیده و سعی می‌شود تا تعداد زیادی گویه در چند عامل تحت عنوان مولفه یا ابعاد کلی تر خلاصه شوند. در جدول (۲) کفایت نمونه ارائه شده است.

جدول ۲: مقادیر آماره KMO و کرویت بارتلت

مقدار شاخص KMO		
۰,۹۰۹		
۴۶۹,۱۵۱۷۹	مقدار خی دو	آزمون بارتلت
۱۱۷۶	درجه آزادی	
۰,۰۰۱	سطح معناداری	

نتایج آزمون جدول (۲) نشان می‌دهد که کفایت نمونه‌گیری KMO (۰,۹۰۹) و کفایت ماتریس همبستگی یعنی آزمون بارتلت ($\text{sig } 0,001$) = $\text{df}=1176, X^2=469,15179$) برای تحلیل عاملی اکتشافی داده‌ها مناسب است.

یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی تعیین تعداد عامل‌های قابل استخراج است. به‌طور معمول به تعداد متغیرهایی که به تحلیل وارد می‌شوند، می‌توان عامل استخراج کرد؛ اما عامل‌های آخری معمولاً سهم بسیار کمتری در تبیین موضوع دارند. برای استخراج اولیه عامل‌ها از مجموعه متغیرهای مورد نظر، به معیارهایی نیاز است تا بتوان تعداد عامل‌ها را تعیین کرد.

مقدار ویژه، مقداری است که روابط بین مجموعه‌ای از متغیرها را به‌صورت خلاصه مطرح می‌کند. مقدار ویژه به‌وسیله بارهای عاملی تعریف می‌شود. در جدول (۳) ارزش ویژه و واریانس تبیین شده در تحلیل عاملی ارائه شده است.

جدول ۳: ارزش ویژه و واریانس تبیین شده در تحلیل عاملی

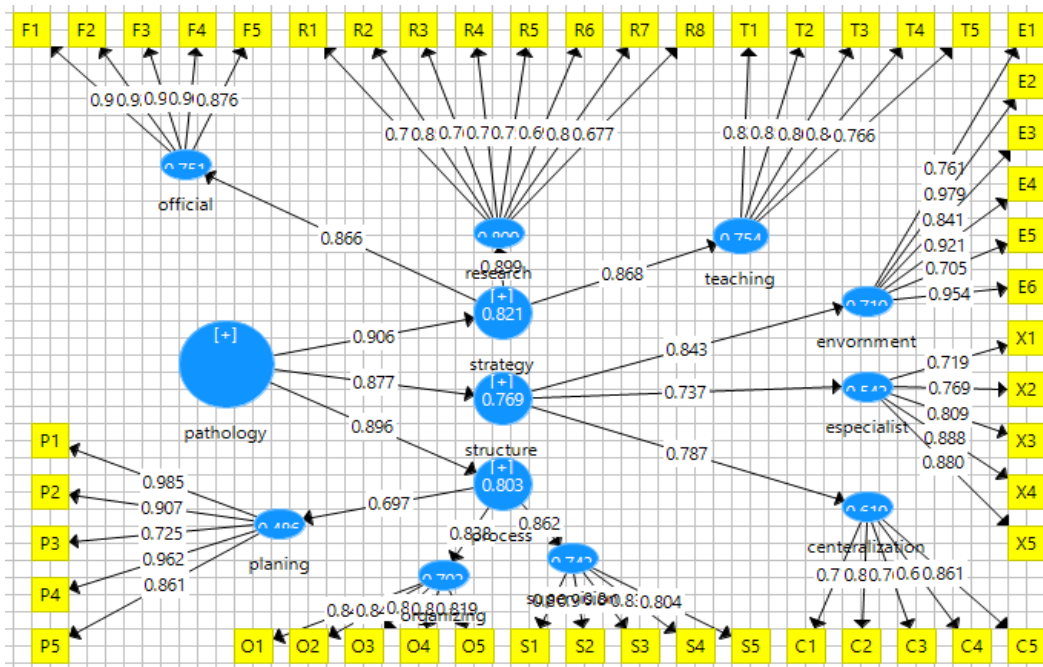
عوامل	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تراکمی
رابطه با محیط	۵,۱۸۹	۱۰,۵۹	۱۰,۵۹
اداری مالی	۵,۱۵۴	۱۰,۵۱۸	۲۱,۱۰۸
برنامه ریزی	۴,۴۰۷	۸,۹۹۴	۳۰,۹۹۴
پژوهشی	۴,۰۱	۸,۱۸۴	۳۸,۲۸۷
سازماندهی	۳,۶۸۷	۷,۵۲۴	۴۵,۸۱
نظارت و کنترل	۳,۶۸۴	۷,۵۱۹	۵۳,۳۳
تخصص	۳,۵۰۸	۷,۱۵	۶۰,۴۸۹
تمرکز گرایی	۳,۳۶	۶,۸۵۸	۶۷,۳۴۷
آموزشی	۳,۲۷	۶,۶۷۹	۷۴,۰۲۶

نتایج جدول (۳) استخراج عامل‌ها با استفاده از معیار کایزر نشان داد که ۹ مولفه مقدار ویژه‌ی بالاتر از ۱ دارند. این عوامل در مجموع ۷۴,۲۶ درصد از واریانس روابط بین متغیرها را تبیین کردند. نتایج حاصل در جدول «واریانس تبیین شده کلی»، ۹ مولفه با ارزش ویژه بالاتر از ۱ را در این آزمون نشان داد و در مجموع تقریباً ۷۴ درصد واریانس کل متغیرهای آزمون را تبیین نمود.

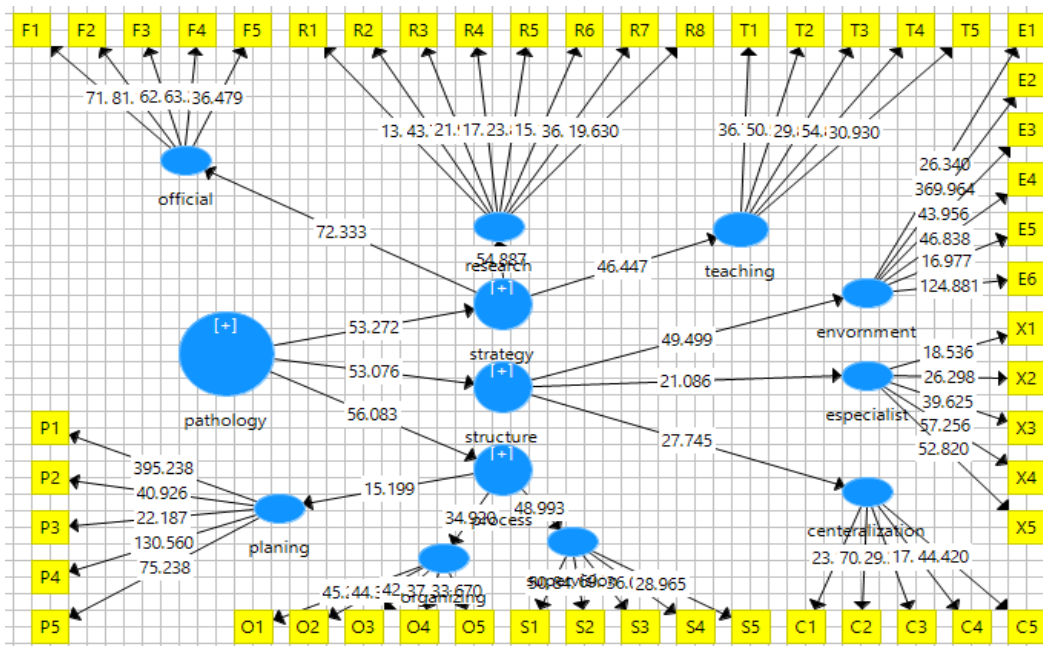
آزمون مدل اندازه‌گیری آسیب‌شناسی تولید دانش:

برای بررسی اعتبار مدل اندازه‌گیری از روش تحلیل عاملی تاییدی در مرتبه دوم و سوم استفاده شده است. همچنین، روایی گویه‌ها توسط دو معیار روایی همگرا و روایی افتراقی و با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی بررسی شد. روایی هم‌گرا از طریق معیار میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) بررسی شد. در صورتی که میانگین واریانس استخراج‌شده از ۰,۴ بیش‌تر باشد، روایی افتراقی نیز با استفاده از معیار فورنل - لارکر بررسی گردید. پایایی ابزارها نیز توسط دو معیار سنجش شد: (۱) آلفای کرونباخ، (۲) پایایی ترکیبی (CR). ضریب آلفای کرونباخ بیانگر میزان توانایی سؤالات در تبیین مناسب مولفه‌های سازه‌های مربوط به خود است و پایایی ترکیبی سازگاری درونی بین مولفه‌های یک سازه را نشان می‌دهد که هر دو معیار باید بیشتر از ۰/۷ باشد. بنابراین روایی هم‌گرا و افتراقی و پایایی کرونباخ و پایایی ترکیبی ابزارهای اندازه‌گیری با این معیارها تأیید می‌شود. در شکل‌های ۱ و ۲ مقادیر بار عاملی سؤالات،

معنی‌داری سؤالات، میزان بارهای عاملی و معنی‌داری آن‌ها مشخص شده است. اندازه‌ی بارهای عاملی نشان‌دهنده‌ی قدرت و قوت رابطه‌ی بین دو متغیر مکنون مربوطه است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که بار عاملی باید بزرگ‌تر از $0/3$ باشد ولی هرچه به یک نزدیکتر باشد بهتر است.



شکل ۱: مدل عاملی مرتبه سوم متغیر تولید دانش



شکل ۲: مقدار t حاصل از تحلیل بارهای عاملی تولید دانش

جدول ۴: بار عاملی، مقادیر تی و معنی‌داری نتایج آسیب‌شناسی تولید دانش

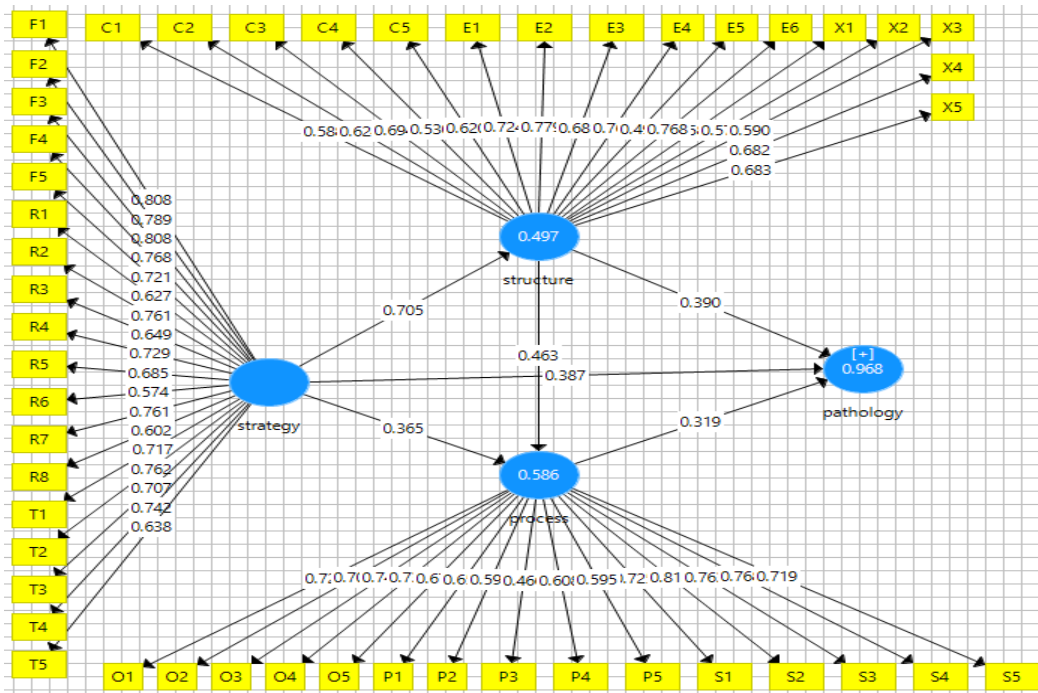
نتیجه	معناداری	آماره‌ی t	بار عاملی	تأثیر مولفه‌ها و ابعاد
-------	----------	-----------	-----------	------------------------

تائید	۰/۰۰۱	۷۲/۳۳	۰/۸۶۶	استراتژی ← مولفه اداری مالی
تائید	۰/۰۰۱	۵۴/۸۸	۰/۸۹۹	استراتژی ← مولفه پژوهشی
تائید	۰/۰۰۱	۴۶/۴۴	۰/۸۶۸	استراتژی ← مولفه آموزشی
تائید	۰/۰۰۱	۴۹/۴۹	۰/۸۴۳	ساختاری ← مولفه رابطه با محیط
تائید	۰/۰۰۱	۲۱/۰۶	۰/۷۳۷	ساختاری ← مولفه تخصص
تائید	۰/۰۰۱	۲۷/۷۴	۰/۷۸۹۷	ساختاری ← مولفه تمرکز
تائید	۰/۰۰۱	۱۵/۱۹	۰/۶۹۷	فرایندی ← مولفه برنامه‌ریزی
تائید	۰/۰۰۱	۳۴/۹۲	۰/۸۳۶	فرایندی ← مولفه سازماندهی
تائید	۰/۰۰۱	۴۸/۹۹	۰/۸۶۲	فرایندی ← مولفه نظارت و کنترل
تائید	۰/۰۰۱	۵۳/۰۷	۰/۹۰۶	تولید دانش ← بعد استراتژی
تائید	۰/۰۰۱	۵۶/۰۸	۰/۸۷۷	تولید دانش ← بعد ساختاری
تائید	۰/۰۰۱	۵۳/۲۷	۰/۸۹۶	تولید دانش ← بعد فرایندی

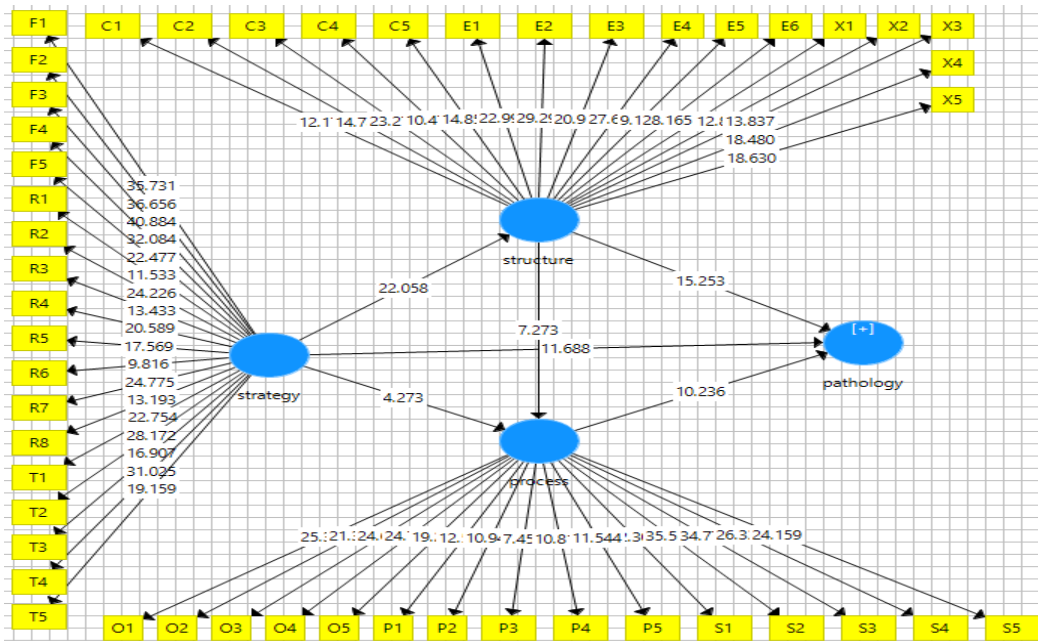
برای محاسبه‌ی معنادار بودن بارهای عاملی از روش مقدار t استفاده شد. در روش مقدار t (مقادیر t -values) برای معنادار بودن بار عاملی بایستی مقدار t مشاهده شده بیشتر از $1/96$ باشد تا بتوان معنادار بودن تمامی سؤالات و روابط متغیرهای مکنون را در سطح اطمینان $0/95$ تأیید کرد (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۵).

ارزیابی مدل ساختاری و فرضیات مربوط به الگوی آسیب‌شناسی تولید دانش:

در این مرحله قالب مدل معالات ساختاری فرضیات مورد بررسی قرار گرفتند و مسیر مدل ساختاری ارزیابی شد. هر مسیر متناظر با یکی از فرضیات مدل است، که اعداد روی پیکان‌ها ضریب مسیر می‌باشند. آزمون هر فرضیه از طریق بررسی علامت، اندازه، و معناداری آماری ضریب مسیر (بتا) بین هر متغیر مکنون با متغیر وابسته است. ضریب مسیر نشان دهنده اثر مستقیم یک سازه بر روی سازه دیگر است. هر اندازه این ضریب مسیر بالاتر باشد تاثیر پیش بینی کننده متغیر مکنون نسبت به متغیر وابسته بیشتر خواهد بود. با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین سازه‌های مستقل و وابسته با استفاده از ضریب مربوط می‌توان به بررسی معنی داری اثرات بین سازه‌های پژوهش پرداخت. به منظور بررسی معناداری ضریب مسیر یا همان بتا باید معناداری مقدار t -value برای هر ضریب مسیر مورد توجه قرار گیرد. نتایج ارزیابی مدل ساختاری آسیب‌شناسی تولید دانش در شکل ۳ و ۴ و جدول (۵) نشان داده شده است.



شکل ۳: ضرایب مسیر مدل ساختاری تدوین شده



شکل ۴: مقادیر T مدل ساختاری تدوین شده

جدول ۵: نتایج آزمون اثرات مستقیم متغیرهای مدل

ردیف	متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب مسیر	آماره T	سطح معنی داری	نتیجه
۱	استراتژی	تولید دانش	* ۰/۳۸۷	۱۱/۶۸	۰/۰۰۱	تایید
۲	ساختار	تولید دانش	* ۰/۳۹	۱۵/۲۵	۰/۰۰۱	تایید
۳	فرآیند	تولید دانش	* ۰/۳۱۹	۱۰/۲۳	۰/۰۰۱	تایید
۴	استراتژی	ساختار	* ۰/۷۰۵	۲۲/۰۵۸	۰/۰۰۱	تایید
۵	استراتژی	فرآیند	* ۰/۳۶۵	۴/۲۷۳	۰/۰۰۱	تایید
۶	ساختار	فرآیند	* ۰/۴۶۳	۷/۲۷	۰/۰۰۱	تایید

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد مقدار ضریب بتای تاثیر متغیر استراتژی بر آسیب‌شناسی تولید دانش ۰/۳۸۷ است که این بدین معنی می‌باشد که ۳۸/۷ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر مستقیم استراتژی می‌باشد و از آنجایی که مقدار t محاسبه شده ۱۱/۶۸ است بنابراین می‌توان گفت تاثیر استراتژی بر آسیب‌شناسی تولید دانش در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. مقدار ضریب بتای تاثیر متغیر ساختار بر آسیب‌شناسی تولید دانش ۰/۳۹ است که این بدین معنی می‌باشد که ۳۹ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر مستقیم ساختار می‌باشد و از آنجایی که مقدار t ۱۵/۲۵ است می‌توان گفت تاثیر ساختار بر تولید دانش در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین، تاثیر متغیر فرآیند بر آسیب‌شناسی تولید دانش، تاثیر متغیر استراتژی بر ساختار، تاثیر متغیر استراتژی بر فرآیند و تاثیر متغیر ساختار بر فرآیند معنادار هستند. در جدول (۶) نیز اثرات غیر مستقیم متغیرهای میانجی در آسیب‌شناسی تولید دانش ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون اثرات غیر مستقیم متغیرهای میانجی مدل

نتیجه	p	اثر غیر مستقیم	متغیرهای میانجی	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
تایید	۰/۰۰۱	۰/۲۷۵	ساختار	آسیب‌شناسی تولید دانش	استراتژی
تایید	۰/۰۰۱	۰/۱۱۶	فرآیند		
تایید	۰/۰۰۱	۰/۱۰۴	ساختار و فرآیند		
تایید	۰/۰۰۱	۰/۳۲۷	ساختار	فرآیند	
تایید	۰/۰۰۱	۰/۱۴۸	فرآیند	آسیب‌شناسی تولید دانش	ساختار

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که متغیر استراتژی از طریق متغیرهای میانجی ساختار و فرآیند بر آسیب‌شناسی تولید دانش بصورت غیر مستقیم هم تاثیر دارد. همچنین متغیر استراتژی از طریق متغیر میانجی ساختار نیز بر متغیر فرآیند تاثیر دارد. به علاوه متغیر ساختار از طریق متغیر فرآیند نیز به‌طور غیر مستقیم بر آسیب‌شناسی تولید دانش تاثیر دارد. در جدول (۷) نیز اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۷: اثرات کل متغیرهای ملاک

متغیرهای ملاک	R2	سطح معنی داری
آسیب شناسی تولید دانش	۰/۹۶۸	تایید
ساختار	۰/۴۹۶	تایید
فرایند	۰/۵۸۴	تایید

یافته‌های جدول (۷) نشان می‌دهد که متغیرهای استراتژی، ساختار و فرایند به صورت مستقیم و متغیر استراتژی غیر مستقیم از طریق متغیرهای ساختار و فرایند ۹۶/۸ درصد از آسیب شناسی تولید دانش را تبیین می‌کنند. همچنین ساختار ۴۹/۶ درصد و متغیر فرایند ۵۸/۴ درصد آسیب شناسی تولید دانش را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، تحلیل عوامل مؤثر بر آسیب شناسی سازمانی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی بود. یافته‌ها نتایج نشان داد که متغیر استراتژی از طریق متغیرهای میانجی ساختار و فرایند بر آسیب شناسی تولید دانش بصورت غیر مستقیم هم تاثیر دارد. همچنین متغیر استراتژی از طریق متغیر میانجی ساختار نیز بر متغیر فرایند تاثیر دارد. به علاوه متغیر ساختار از طریق متغیر فرایند نیز به طور غیر مستقیم بر آسیب شناسی تولید دانش تاثیر دارد. در مجموع نتایج نشان داد که متغیرهای استراتژی، ساختار و فرایند به صورت مستقیم و متغیر استراتژی غیر مستقیم از طریق متغیرهای ساختار و فرایند ۹۶/۸ درصد از آسیب شناسی تولید دانش را تبیین می‌کنند. همچنین ساختار ۴۹/۶ درصد و متغیر فرایند ۵۸/۴ درصد آسیب شناسی تولید دانش را تبیین می‌کنند. ۳۸/۷ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر مستقیم استراتژی، ۳۹ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر ساختار، ۳۲ درصد از تغییرات تولید دانش مربوط به اثر مستقیم فرایند، ۷۰/۵ درصد از تغییرات مربوط به ساختار مربوط به اثر مستقیم استراتژی، ۳۶/۵ درصد از تغییرات مربوط به فرایند مربوط به اثر مستقیم استراتژی، ۴۶/۳ درصد از تغییرات متغیر فرایند مربوط به اثر مستقیم ساختار می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده می‌توان ادعا داشت که مدل آسیب شناسی تولید دانش در دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند به عنوان یک مدل مؤثر در آسیب شناسی تولید دانش به کار گرفته شود و موجب ارتقای سطح علمی تولید کنندگان دانش گردد.

این نتایج پژوهش با نتایج مطالعات نیاز آذری و همکاران (۱۴۰۰)، اکبری و همکاران (۱۳۹۸)، عباسیان و همکاران (۱۳۹۸)، تقی زاده و همکاران (۱۳۹۴)، مانوئل و همکاران (۲۰۲۰) و فیلیسون و ساراه (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت جهان امروز با رشد و شتابی فزاینده به سوی پیشرفت و توسعه همه جانبه در حرکت است. در چنین جهانی که ابعاد گوناگون جهانی سازی آن را به دهکده ای متعامل و مرتبط تبدیل کرده است، در اولویت قرار دادن و بها دادن به تولیدات علمی و پژوهشی، مقوله ای ضروری و بلکه حیاتی است. بدون افزایش کمی و کیفی تولید علمی نمی‌توان به تداوم بقای عزتمند در جهان علم محور کنونی امید داشت. می‌توان با به کارگیری روش‌های گوناگون تولید علم، در کنار ابداع روش‌های نوین، بر بسیاری از چالش‌های نرم افزاری و سخت افزاری تولید علم در ایران غلبه کرد. بسیاری از این چالش‌ها، نتیجه رهیافت‌ها و نگرش‌های نادرستی هستند که نسبت به مقوله علم و شیوه‌های تولید علم وجود دارد و از این رو، اهتمام به روش شناسی و ترویج گونه‌های مختلف آن می‌تواند در اصلاح این نگرش‌ها و رفتارها در ابعاد گوناگون فردی و ساختاری مثمرتر باشد. نهضت تولید علم، با ضابطه و صبغه پویایی و نوآوری، می‌تواند محمل مناسبی برای رشد و توسعه نظریات مختلف در حوزه‌های گوناگون در کشور باشد. نهضت تولید علم همچنین می‌تواند با بسط و تبیین دیدگاه‌های نوین روش شناختی و نیز ابداع دیدگاه‌های تلفیقی در این حوزه که با مقتضیات خاص فرهنگی و اجتماعی جامعه ما نیز تناسب بیشتری داشته

باشد، به رشد و توسعه حوزه‌های گوناگون علمی در جامعه سرعت و غنای بیشتری بخشد. در واقع، با توجه به پژوهش حاضر می‌توان دریافت که تولید علم، محصول کارکرد بهینه نظام دانشگاهی و خرده نظام‌های آن است. نظام دانشگاهی در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در یک نظم پویا، امکان رشد و شکوفایی نهاد علم را میسر می‌کند. به عبارت دیگر، اگر در شرایط متعادل هر یک از نظام‌های اجتماعی به‌ویژه سیستم دانشگاهی نقش خود را ایفا کنند، در سطح خرد، رشد اندیشه خلاق در میان آحاد جامعه و در سطح کلان، تولید علم را میسر می‌سازد. از نتایج این پژوهش می‌توان چنین استنتاج کرد که عدم تولید علم علاوه بر موانع درون سیستمی نظیر ضعف عملکرد کنشگران علمی و ضعف مؤسسات علمی، با موانع کلان ساختاری مواجه است.

بنابراین از جهات مختلف راهبردی، ساختاری، فرایندی، آموزشی و پژوهشی، فنی و تخصصی، چالش‌های متعددی در سر راه تولید دانش در دانشگاه‌ها وجود دارد. به همین دلیل، در راستای بهبود وضعیت موجود و رفع تنگناهای نظام دانشگاه آزاد، ایجاد تغییرات اساسی در بسیاری از رویکردهای راهبردی، ساختاری و فرایندی اجتناب ناپذیر خواهد بود. از این رو، همگام با انجام پاره‌ای از اصلاحات مؤثر در سطح دانشگاه‌ها، بسیار ضروری است که در سطح کلان مدیریت و سیاست‌گذاری نظام دانشگاه آزاد تبیین دقیق جایگاه و نقش و مأموریت‌های این دانشگاه در توسعه جامعه، ارتقای هدفمند نظام مذکور در پاسخگویی به نیازها، آسیب‌شناسی شود و بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها، مطالعه و تبیین ضعف‌ها و قوت‌های نظام دانشگاه آزاد مهندسی مجدد گردد. مسائل اداری مالی، پژوهشی، آموزشی در بعد راهبردی و تمرکز، تخصص و تعامل با محیط در بعد ساختاری، و برنامه‌ریزی درسی، سازماندهی نیروی انسانی، و نظارت و کنترل بر مجموعه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها در تولید دانش ارتقای کیفیت دوره‌های آموزشی، تجهیز پایگاه‌های اطلاعاتی، ایجاد فرهنگ همکاری پژوهشی دانشگاه‌ها با پژوهشگران، دقت در ارائه رساله‌های ارشد و دکتری و ارتقای مدیریت پژوهش در دانشگاه برای برقراری روابط اثربخش بین پژوهشگران و سازمان‌ها، تقویت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در تمام رشته‌ها، بازنگری در انتخاب دانشجویان می‌تواند در ارتقای تولید دانش مؤثر باشد.

پیشنهادات این پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

- محققان در آینده از جامعه آماری متنوع تر و کلان تری استفاده کنند تا بتوان با اطمینان بیشتری در نتایج بحث کرد.
- پیشنهاد می‌شود علاوه بر اعضای هیأت علمی از نظرات دانشجویان و سایر کارکنان نظام آموزش عالی استفاده کرد.
- محققان با مصاحبه‌های عمیق بیشتری مولفه‌های بیشتری احصا کنند تا بتوان از زوایای بیشتری موضوع آسیب‌شناسی را مورد مطالعه قرار داد.

منابع فارسی

- اسدی گرجی، محمدحسین، مصطفوی، سید محمود. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی سازمانی در حوزه منابع انسانی شرکت توزیع نیروی برق مازندران. دهمین کنفرانس مدیریت. ۱-۱۳.
- اکبری و همکاران (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی پژوهش و تحلیل موانع پژوهشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک). کنفرانس بین‌المللی و ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۷ (۳)، ۷۱۷-۸۲۷.
- اسفندیاری، عاطفه، نکوئی مقدم، محمود، محمدی زینب، نوروزی، سمانه و اسماعیلی، محمدرضا. (۱۳۸۹) آسیب‌شناسی منابع انسانی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان با استفاده از مدل سه شاخگی. فصلنامه علمی دانشگاه بهداشت یزد، ۱۰ (۳)، ۱-۱۲.
- برومند، نادر. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی مدیریت مشارکت جو. ماهنامه تدبیر، شماره ۳۲، ۱۱۵-۵۶.
- برومند، زهرا. (۱۳۹۴). بهبود و بازسازی سازمان. تهران: انتشارات جنگل.
- تقی زاده، نفیسه و همکاران. (۱۳۹۴). آسیب شناسی تولید دانش در هسته های پژوهشی علوم انسانی. نشریه راهبرد فرهنگ، ۸ (۳۰)، ۱۶۱ - ۱۸۸.
- ذاکری پور، غلامرضا، رضاقلی، فهیمه، احمدآبادی، محمد. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی منابع انسانی و بهبود توسعه، فصلنامه علمی-ترویجی توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی، ۶ (۲۲)، ۲۲، ۳۴-۲۰.
- رحیمی، حمید، سیادت علی، هویدا، رضا، شاهین آرش، بختیارنصرآبادی، حسنعلی. (۱۳۹۴). تحلیل تشخیص سازمانی براساس مدل شش گانه و رابطه آن با سلامت سازمانی و کیفیت محیط کار در دانشگاه‌های دولتی اصفهان، مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۶ (۴)، ۳۴-۱۹.
- صبورطینت، امیرحسین. (۱۳۹۷). مدل‌های عارضه یابی سازمانی. تهران: انتشارات کسب و کار.
- کفایشان کاخکی و همکاران (۱۳۹۸). بررسی نقش ارتباط علمی در فرآیند تولید دانش در علوم انسانی. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی (مطالعات تربیتی و روان شناسی)، ۹ (۱)، ۱۲۱۳-۱۰۷.
- وطن خواه، سودابه، بهرامی، محمد امین. (۱۳۸۶). ارزیابی محیط داخلی بیمارستان‌های آموزشی و درمانی شیراز براساس مدل شش بعدی وایزبورد. فصل نامه مدیریت سلامت، ۱۰ (۳۰)، ۱۴-۷.
- عباسیان، حسین، کیانی طالقانی ناهید، زین آبادی، حسن رضا، آراسته، حمیدرضا. (۱۳۹۸). تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران. مجله: آموزش عالی ایران، ۴۱، ۳۹-۶۶.
- نیازآذری، کیومرث، کاظمی ملک محمودی، شیما، جباری، نگین. (۱۴۰۰). نقش دانشگاه در تولید دانش به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اقتصاد دانش بنیان. مجله: مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۱۳ (۹)، ۹۸-۱۰۶.

منابع انگلیسی

- Albuquerque, U.P., Lucena, R.F.P., Lins Neto, E.M.F. (Eds.) (2014). *Methods and Techniques in Ethnobiology and Ethnoecology*. New York: Springer Protocols. Handbooks.
- Altbach, P.G. (2015). What counts for academic productivity in research universities? *International Higher Education*. 79, 6-12.
- Baldwin, C., Von Hippel, E. (2011). "Modeling a paradigm shift: from producer innovation to user and open collaborative innovation", *Organization Science*, 22 (6), 1399-1417.
- Bogers, M., Afuah, A. & Bastian, B. (2010). "Users as innovators: A review, critique, and future research directions", *Journal of Management*, 36 (4), 857-875.
- Bolisani, E., Bratianu, C. (2018). *The elusive definition of knowledge, in: Emergent Knowledge Strategies: Strategic Thinking in Knowledge Management*. Springer International Publishing, Cham, 1-22.
- Bassam, A., Albassam (2019) Building an effective knowledge management system in Saudi Arabia using the principles of good governance, *Resources Policy*, 64 (11), 10-21.
- Delshab, V., & Sadeghi Boroujerdi, S. (2018). Investigating the influence of unlearning on knowledge management in sport organizations. *Kybernetes*, 47 (10), 2025–2040.
- Denzler, A. (2019). Granular knowledge cube. In *Granular Knowledge Cube* (pp. 51–68). Cham: Springer.
- Hallinger, P. (2011). Developing a Knowledge Base for Educational Leadership and Management in East Asia. *School Leadership & Management*. 31 (4). 305-320
- Herzog, P. & Leker, J. (2011). *Open and closed innovation: Different cultures for different strategies*. Springer.
- Iqbal, M.Z., Mahmood, A., 2011. Factors related to low research productivity at higher education level. *Asian Soc. Sci.* 7 (2), 188-199.
- Li, M., Kankanhalli, A., & Kim, S.H. (2016). "Which ideas are more likely to be implemented in online user innovation communities? An empirical analysis", *Decision Support Systems*, 84, 28-40.
- MacKillop, E., Quarmby, S, & Downe, J. (2020). Does knowledge brokering facilitate evidence-based policy? A review of existing knowledge and an agenda for future research. *Policy & Politics*. Business Research Volume 94(10), 442-450
- Nafukho, F.M., Muyia, M.A.H., 2014. Entrepreneurial leadership and transformation of universities in Africa. In: Nafukho, F.M., Muyia, M.A.H., Irby, B.J. (Eds.), *Governance and Transformation of Universities in Africa*. Information Age Publishing, Charlotte, NC.
- Philipson, Sarah. Sources of innovation: Consequences for knowledge production and transfer. *Journal of Innovation & Knowledge*, 5 (1), 50-55.
- Pingyu, Ji, Lang. Manufacturing Knowledge Graph: A connective to Answer Production Problems Query With Knowledge Reuse. 2019, date of publication July 26
- Radmila, Miković Dejan Petrović Marko Mihić Vladimir Obradović Marija Todorović. Overcoming Barriers To Knowledge Flow: Evidence-Based Attributes *International Journal of Project Management*. Volume 38, Issue 6, pp. 313–388 (August 2020)
- Yan, T., & Azadegan, A. (2017). Comparing inter-organizational new product development strategies: Buy or ally; Supply-chain or non-supply-chain partners?. *International Journal of Production Economics*, 183, 21-38.